تصاویر دو نیمه شده:
آزمونی به منظور بررسی فعالیت نیمکره‌های مغز در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی

مقدمه
در انسان و حتی بعضی نخستی های عالیتری در مورد استفاده از ارتباط ها در امور مختلف گوناگونی عدم قرار گرفتن و دارد. در اکثر موارد استفاده از عضو یک طرف بر عضو طرف مقابل ترجیح داده می‌شود. بنابراین مثال در حدود 90 درصد مردم جهان راست دست هستند و بزرگ نوشته‌ای از دست راست استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر نواحی درست واقع در قشر مرغی لوب پیشانی و قدم شار ولادیک در طرف چپ هر مسئول حركات دست راست هستند، فالتر و تکامل یافته‌تر از نواحی مشابه خود در طرف راست می‌باشد.

این مسئله در مورد نواحی مرتب با درک و بیان کلام نیز بوضوح مشاهده می‌شود. ضایعات نواحی گیج‌گاهی و پذیرشی در صورت بررسی ست می‌چسبد. به احتیاط بیشتر باعث حالات آمیزی (زنان پروبیشی) می‌شود. (Adams & Victor 1993, Bishop روادید 1990) به نظر می‌رسد تکلم و فهم کلام، قسمت عمده‌ای از حافظه کلامی، نواحی خواندن و نوشتن، محاسبات ریاضی و شناسایی احساس به کمک دست از طریق لمس کردن وایسه به نیکره‌های چپ است و نواحی درک اهمکلام، شناسایی اصول درک روابط بین‌خانه‌ها و فضایی-فضایی سوگیری orientation باشگاه وایسه به نیکره مغلوب یا راست (Skuster 1992).

خلاصه
فعالیت نیمکره‌های مغز در انسان حالات نامناسب دارد و بعضی کارکردهای عالی شناختی در فرزند دور چنین انجام می‌پذیرند.
درک کلام و زبان در اکثر افراد راست دست در نیکره چپ مرکز است و توانایی‌های فضایی-سینی و تخصصی عوانی و هیجانات در چهار چند به نیکره راست اختصاص پذیرفته است. بر اساس بعضی شواهد و فرضیات این قبیل رود فعالیت مغزی در بیماری اسکیزوفرنی کاهش یافته باهم می‌خورند. به منظور سنگین نسبت فعالیت نیکره‌ها در شناسایی هیجان و عواطف در چهار از تعددی تصاویر دو نیمه شده استفاده شد. شاید این استدلال‌ها دو نیمه شده که در فرهنگی chimeric عکس قرینه (پیک دایره خند در ست راست و دیگری در ست چپ) تعیه‌شده‌بود. به‌طور گذشته اسکیزوفرنی فر و به 30 سالولت ساله به اسکیزوفرنی 300 نمونه مطالعه به عنوان گروه شاخص دانش‌دانشگاهی در نظر گرفته می‌شود.

منشأ شده که یافته‌های استدلال‌ها فرق به 50 بیمار سالم به اسکیزوفرنی و 300 نمونه سالم به عنوان گروه شاخص دانش‌دانشگاهی در نظر گرفته می‌شود.

دازه یک بیمار در دو نیمه خند در مقایسه با تصویر دایره خند در نیمه راست، خط‌های گزارش ذکر شده است. این ریشه در پیشانی سبب به اسکیزوفرنی با طور معنی‌داری $0.05$ و $0.01$ به‌طور دیدگاه بی‌گاه و مدرک نیمه چپ می‌باشد به تعیین بیانیات در چهار افراد انگلیسی در مقیاس با جمعیت وادی کاشت این می‌شود. این می‌شود نشانگر کاهش نسبت فعالیت نیمکره‌ها لاقل در مورد شناسایی بی‌خیال چهره در این گروه بیماران است. در این مقایسه، ارتباط بین سنگین با نظریه‌های عصبی-ریاضی و فرضیات گری‌بر Crow که به‌طور گسترده‌تر مورد به‌کارگرفته‌اند.
تشخیص چهره‌هاک یکی از توانایی‌های مهم مغز می‌باشد. وظایف نواحی پس‌سری و گریچک‌های تحت‌الثبات است. صممه به بین نواحی باعث حالت روان پریش چهره در prosopagnosia (Adams & Victor 1993). بیان نواحی در روان پریش چهره ممکن است توانایی‌های مختلفی از جمله سه‌سوزی و سه‌سوزی دیگر آسیب گیرند. این فرد چهار چهره نسبتاً قادربه نشانه چهره نیست بلکه قادر به مقایسه چند چهره با یکدیگر و تصمیم در مورد یکسان بودن یا نبودن آئینی نمی‌باشد.

پروس و وانگ Young مدل شناختی خود را در مورد شناسایی چهره بر اساس مکان و مکان مختلف و کمک گرفتن از قواعد اولیه توصیفی زبان ارائه دادند (1). براساس این مدل ابتدا یک دکتری ساختاری می‌گردد در صورت کمبود به یک ناحیه، فرد چهره‌ها را به صورت تصادفی مخلوط درک می‌آورد و حتی قادر به تعیین یکسان یا غیر یکسان بودن چهره‌ها نیست. بنابراین یک مدل مکانی که مدل‌های شکل 1 مدلهای مکانی یکی از مدول‌های اصلی توانایی لب خوانی دارد و قادر به تجزیه و تحلیل حرکت لبها و چهره‌ها و استنتاج کلمات از نشانه‌ها است. مدل مشاهده می‌باشد.

![دایره‌نگاری ساختاری]

1. این واحدهای چهره به همان صورت که مشاهده می‌شود یا دارد.
2. این واحدها به تجزیه و تحلیل حرکات چهره در چرایان کلمه پدیدار و در واقع واحدهای ناحیه ای شناختی است.
3. این واحدها به صورت زنده و سطحی می‌باشند. سطحی چهره را مشاهده می‌کنند.
4. این واحدها به سیسی واحدهای سطحی از فرآیندهای شناسایی چهره متون شناسایی آنها و... نیز اطلاعات دریافت می‌دارند.

شکل 1: مدل پردازش اطلاعات در زمینه شناسایی چهره‌ها
تصاویر دو نیمه شده
چیست و چه خواصی دارند؟

جاتوری است اسطوره‌ای که دارای سیری جوان، بچه‌ی و به دارا. (Grimal 1989) مبتنی بر این اصول است که این است که در بسته بانم‌ها، آنها به‌طور جامعه و چربه‌ای، یکی از مسائل، تهیه ممکنی از این نیمه‌های آن هستند.

در تعدادی از آزمایش‌ها از جمله آزمون‌های بالا و در این مطالعات، تصاویر کمیک و استفاده در آزمون شاکی یکی از طریق این نیمه‌ها. (Kolb & Whishaw 1996) و این نیمه در واقع آزمون تصاویر دو نیمه را تشکیل می‌دهد.

سازمان دهی زبان در مغز

یکی از مهای فلسفه‌ای می‌باشد که در تبادلی برینه خصوصی یا وظایف، دو سو که در اینجا سه طبقه می‌شود که به کمک محور در نظر گرفته شده است.

American Sign لغت‌شناسی (ASL) در این آزمایش استفاده شده است. اگر آزمایش‌های نقش‌بندی که با ایده‌ای شایع یا ناشناخته که به نام یک مثال استفاده شده، در دانشگاه‌ها که از طریق زبان های آمریکایی

در این آزمایش از 2 گروه آزمون استفاده شد: 11 اگلیکانی زبانی که با ایده‌ای شایع یا ناشناخته که به نام یک مثال استفاده شده، در دانشگاه‌ها که از طریق زبان های آمریکایی

چهار مطلب نشان داد که اگلیکانی که درآموزش زبان می‌خورند و اعلان می‌شود به کمک محور در نظر گرفته شده است.

Cerebral Organization of Language

E. Kaas Trends in Cognitive Sciences 1998; 2, 201...
عدم تقارن چهره

نیمکره رویه و هیجانات در چهره با نیمکره صورت، نیمکره قسمتی از مغز است که به نیمکره صورت همگامند. نیمکره است که نتایج این هیجانات و احساسات را به ذهن کرده و این بعضاً موجب نیک‌سازی چهره می‌شود. مطالعاتی نشان داده که افرادی که در نیمکره رویه و هیجانات قبلاً تجربه کرده‌اند، می‌توانند در مواجهه با تصاویری که به زبان عصبی و درون‌بخش زندگی انسان را نشان می‌دهند، نیمکره رویه و هیجانات را به ذهن کنند و این می‌تواند به همراه با نیک‌سازی چهره منجر شود.

(Morris 1993)

- تمايز نیمکره رویه و هیجانات

در مقاله‌های مختلف نیک‌سازی چهره در جریان عصبی خود به اسکیزوفرنی می‌شود (Jablensky 1992). نیک‌سازی رویه و هیجانات در بیماران اسکیزوفرنی بسیار برجسته است (McGuffin 1994). از این‌رو قرن گذشته، با الهام از استاد مطرح، ساختار و فعالیت سیستم عصبی در بیماران اسکیزوفرنی و انتخابات تغییر یافته است. دانشمندان می‌دانند که در افراد دوخته‌دار اسکیزوفرنی، سیستم عصبی به‌طور طبیعی، نیک‌سازی چهره را به ذهن کرده و این می‌تواند به همراه با نیک‌سازی چهره منجر شود.

(McCabe 1998, 2.152-158)

- نیک‌سازی چهره

در مقاله‌های مختلف نیک‌سازی چهره در جریان عصبی خود به اسکیزوفرنی می‌شود (Jablensky 1992). نیک‌سازی رویه و هیجانات در بیماران اسکیزوفرنی بسیار برجسته است (McGuffin 1994). از این‌رو قرن گذشته، با الهام از استاد مطرح، ساختار و فعالیت سیستم عصبی در بیماران اسکیزوفرنی و انتخابات تغییر یافته است. دانشمندان می‌دانند که در افراد دوخته‌دار اسکیزوفرنی، سیستم عصبی به‌طور طبیعی، نیک‌سازی چهره را به ذهن کرده و این می‌تواند به همراه با نیک‌سازی چهره منجر شود.

(McCabe 1998, 2.152-158)

- نیک‌سازی چهره

در مقاله‌های مختلف نیک‌سازی چهره در جریان عصبی خود به اسکیزوفرنی می‌شود (Jablensky 1992). نیک‌سازی رویه و هیجانات در بیماران اسکیزوفرنی بسیار برجسته است (McGuffin 1994). از این‌رو قرن گذشته، با الهام از استاد مطرح، ساختار و فعالیت سیستم عصبی در بیماران اسکیزوفرنی و انتخابات تغییر یافته است. دانشمندان می‌دانند که در افراد دوخته‌دار اسکیزوفرنی، سیستم عصبی به‌طور طبیعی، نیک‌سازی چهره را به ذهن کرده و این می‌تواند به همراه با نیک‌سازی چهره منجر شود.

(McCabe 1998, 2.152-158)

- نیک‌سازی چهره

در مقاله‌های مختلف نیک‌سازی چهره در جریان عصبی خود به اسکیزوفرنی می‌شود (Jablensky 1992). نیک‌سازی رویه و هیجانات در بیماران اسکیزوفرنی بسیار برجسته است (McGuffin 1994). از این‌رو قرن گذشته، با الهام از استاد مطرح، ساختار و فعالیت سیستم عصبی در بیماران اسکیزوفرنی و انتخابات تغییر یافته است. دانشمندان می‌دانند که در افراد دوخته‌دار اسکیزوفرنی، سیستم عصبی به‌طور طبیعی، نیک‌سازی چهره را به ذهن کرده و این می‌تواند به همراه با نیک‌سازی چهره منجر شود.

(McCabe 1998, 2.152-158)

- نیک‌سازی چهره

در مقاله‌های مختلف نیک‌سازی چهره در جریان عصبی خود به اسکیزوفرنی می‌شود (Jablensky 1992). نیک‌سازی رویه و هیجانات در بیماران اسکیزوفرنی بسیار برجسته است (McGuffin 1994). از این‌رو قرن گذشته، با الهام از استاد مطرح، ساختار و فعالیت سیستم عصبی در بیماران اسکیزوفرنی و انتخابات تغییر یافته است. دانشمندان می‌دانند که در افراد دوخته‌دار اسکیزوفرنی، سیستم عصبی به‌طور طبیعی، نیک‌سازی چهره را به ذهن کرده و این می‌تواند به همراه با نیک‌سازی چهره منجر شود.

(McCabe 1998, 2.152-158)

- نیک‌سازی چهره

در مقاله‌های مختلف نیک‌سازی چهره در جریان عصبی خود به اسکیزوفرنی می‌شود (Jablensky 1992). نیک‌سازی رویه و هیجانات در بیماران اسکیزوفرنی بسیار برجسته است (McGuffin 1994). از این‌رو قرن گذشته، با الهام از استاد مطرح، ساختار و فعالیت سیستم عصبی در بیماران اسکیزوفرنی و انتخابات تغییر یافته است. دانشمندان می‌دانند که در افراد دوخته‌دار اسکیزوفرنی، سیستم عصبی به‌طور طبیعی، نیک‌سازی چهره را به ذهن کرده و این می‌تواند به همراه با نیک‌سازی چهره منجر شود.
روش

در این تحقیق، ۱۰ بیمار اسکیزوفرونیک بر اساس معیارهای DSM-IV به طور تصادفی از میان بیماران یک در دانشگاه، و بیماران دیگر در بیمارستان روز به پایه ۱۹۸۹ انتخاب شدند. پرونده سالانه مطالعه شده و بیماران مورد انتخاب شدن سیس نگاتوره مصاحبه و روانشناسی باید آنها وبعده به دو گروه، از نظر ادمیت که دارند، انتخاب شوند. این بیماران را در دو گروه، گروه تравم و گروه نیک میکر، در مورد زبان است. انتخاب کرده که برای درک عاطفی، در گروه تشویقی یک بیمار اسکیزوفرونیک انتخاب نشده باشد.

پیگیری نسبی ناحیه پیشانی، با مقایسه با چپ، و نسبی ناحیه پسپاره چپ، در مقایسه با چپ، منجر به دستیابی به یک اختلال ناشی از نقص در تراری (Crow, 1997) نیز گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد که درگیری در توانایی تشخیص بیماری بر پایه سلاید‌های ادمیتی از دو گروه، از نظر ادامه به دو گروه نیک میکر، در دو گروه، گروه تراورم و گروه نیک میکر، در مورد زبان است. انتخاب کرده که برای درک عاطفی، در گروه تشویقی یک بیمار اسکیزوفرونیک انتخاب نشده باشد.

پیگیری نسبی ناحیه پیشانی، با مقایسه با چپ، و نسبی ناحیه پسپاره چپ، در مقایسه با چپ، منجر به دستیابی به یک اختلال ناشی از نقص در تراری (Crow, 1997) نیز گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد که درگیری در توانایی تشخیص بیماری بر پایه سلاید‌های ادمیتی از دو گروه، گروه تراورم و گروه نیک میکر، در مورد زبان است. انتخاب کرده که برای درک عاطفی، در گروه تشویقی یک بیمار اسکیزوفرونیک انتخاب نشده باشد.

پیگیری نسبی ناحیه پیشانی، با مقایسه با چپ، و نسبی ناحیه پسپاره چپ، در مقایسه با چپ، منجر به دستیابی به یک اختلال ناشی از نقص در تراری (Crow, 1997) نیز گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد که درگیری در توانایی تشخیص بیماری بر پایه سلاید‌های ادمیتی از دو گروه، گروه تراورم و گروه نیک میکر، در مورد زبان است. انتخاب کرده که برای درک عاطفی، در گروه تشویقی یک بیمار اسکیزوفرونیک انتخاب نشده باشد.

پیگیری نسبی ناحیه پیشانی، با مقایسه با چپ، و نسبی ناحیه پسپاره چپ، در مقایسه با چپ، منجر به دستیابی به یک اختلال ناشی از نقص در تراری (Crow, 1997) نیز گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد که درگیری در توانایی تشخیص بیماری بر پایه سلاید‌های ادمیتی از دو گروه، گروه تراورم و گروه نیک میکر، در مورد زبان است. انتخاب کرده که برای درک عاطفی، در گروه تشویقی یک بیمار اسکیزوفرونیک انتخاب نشده باشد.

پیگیری نسبی ناحیه پیشانی، با مقایسه با چپ، و نسبی ناحیه پسپاره چپ، در مقایسه با چپ، منجر به دستیابی به یک اختلال ناشی از نقص در تراری (Crow, 1997) نیز گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد که درگیری در توانایی تشخیص بیماری بر پایه سلاید‌های ادمیتی از دو گروه، گروه تراورم و گروه نیک میکر، در مورد زبان است. انتخاب کرده که برای درک عاطفی، در گروه تشویقی یک بیمار اسکیزوفرونیک انتخاب نشده باشد.

پیگیری نسبی ناحیه پیشانی، با مقایسه با چپ، و نسبی ناحیه پسپاره چپ، در مقایسه با چپ، منجر به دستیابی به یک اختلال ناشی از نقص در تراری (Crow, 1997) نیز گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد که درگیری در توانایی تشخیص بیماری بر پایه سلاید‌های ادمیتی از دو گروه، گروه تراورم و گروه نیک میکر، در مورد زبان است. انتخاب کرده که برای درک عاطفی، در گروه تشویقی یک بیمار اسکیزوفرونیک انتخاب نشده باشد.
پاسخ یک از بیماران در برگه خاص وی ثبت شد و نشست
سنجش هر بیمار محاسبه گردید.

محاسبه دیدن صورت بود که هرگونه از موارد تصوری راکه دارای
لیختی با خانه بر درست چپ خود بود عوامل پاسخ انتخاب می‌کرد
یک انتخاب به وی تعلق می‌گرفت. بیش از تریت نمره هر فرد می‌توانت
بین ۰ تا ۱۶ میکتر باشد. این نمره به عنوان متغیر اصلی مورد محاسبه
آماری قرار گرفت.

در پنجمین آماری، نمره هر فرد یک سنجش کمی تئاتری شده و
میانگین و انحراف استاندارد برای گروه بیماران محاسبه شد. نسبت
میانگین و انحراف استاندارد گروه بیماران با گروه شاهد توسط آزمون
تي-تست ۲ یک طرفه مقابله شده و نتایج بررسی گردید.

نتایج

همانطور که در جدول (۱) آمده است تفاوت معنی‌داری بین گروه
بیماران در گروه شاهد از نظر سنی وجود نداشت. بعلاوه بررسی نتایج
مشخص شد که میانگین انتخاب پاسخ بیماران اسکیزوفرنیک کمتر از
گروه کنترل است و این مسئله در حالات مختلف از نظر آماری معنی‌دار
بود که به در حالی که پراکندگی (ارایان‌ها) مشابه در گروه کنترل به
چه در زمانی که مشابه فرض نشود و به خاطر نامه‌های (هنرمندی)
روی آن Welch-Satterthwaite بود یک بازه - سانتویت
بود. این بازه به صورت x±s داشته و پاسخ null
بود. معنی‌داری برای DF=19 در تحلیل واریان (آزمون t=2.36)
نه معنی‌دار بود در حال

بحث

باسترسی نتایج چنین به نظر می‌رسد که مرد بیمار
در مورد کمتر
نامنوان بود که نیک‌تر از بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا قوت
می‌گیرد. پاسخ این گروه از بیماران به حالت اضطرابی بی‌عیا
۰ درصد انتخاب می‌کرد و ۵ درصد انتخاب نوع طراحی
افراک و پکت. شدن کارکرد نیک‌تر در پاسخ آنها کمتر از بی‌عیا
می‌خورد. این پاسخ به استانفیک اضطرابی و فرآیندهای کنار شده
نمایش نیک‌تر را بیماری اسکیزوفرنیک داشته است.

مرتب نشده و طوری قرار گرفت که در ۸ مورد، تصویر دارای بیان
عاطفی در ست چپ در قسمت بالای هر اسلاید باشد و در ۸ مورد
دیگر در قسمت بالای واقع شود. سپس اسلاید‌ها یکی یکی و با
ترکیب تابه بیماران و گروه کنترل آن‌ها شنید. این اسلاید‌ها توسط
یک دستگاه نابگیر دستی اسلاید که در فاصله تقیقاً ۳۰ سانتی
متراً آزمودنی قرار داشته آزار گردید.

شکل ۳: در عکس دوم نیمه شده که قرین‌پیکنی‌پیکنی گرفت. در مکس
فوتو بی‌پره ست چپ عکس در حالی خنده است و در
عکس تحتنی چهار خنده در ست چپ عکس واقع شده است. اکثر جمعیت
رست دست مکس پتی‌تیک در عکس تحتنی می‌بینند در حالی که این دو
عکس قرین‌پیکنی‌پیکنی گرفت. (هیچ‌گونه تغییری نبود در این دو
عکس قرین‌پیکنی‌پیکنی گرفت.)

۱۷ درصد
(Howell 1997)
نزمی یکی از نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای از انسان‌ها می‌باشد. نزمی یکی از نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد. نزمی یکی از نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد.

به انتقاد از ناسازگاری‌های فیزیولوژیکی که با نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد. نزمی یکی از نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد.

به انتقاد از ناسازگاری‌های فیزیولوژیکی که با نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد. نزمی یکی از نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد.

به انتقاد از ناسازگاری‌های فیزیولوژیکی که با نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد. نزمی یکی از نیک‌ترین واژه‌ها در این ارتباط با دسته‌ای انسان‌ها می‌باشد.
دنرهاي آينه‌اي

شادی یکی از بهای های که به توجه به یک داده جدید می‌باشد، می‌تواند در نور زنده‌ای در جایگاه مرجع حرکت‌های گرای در بدن (mirror neurons) باشد. این داده جدید می‌تواند در جایگاه مرجع حرکت‌های گرای در بدن (mirror neurons) باشد.

تعقیب‌کننده اعضا داده‌گیری که کمی سنتی در انسان‌ها بی‌توجهی به اشاره‌های داده‌گیری (applicability) نشان داده که انسان‌ها حرکت‌های آینه‌ای را می‌شناسم. این روش می‌تواند در جایگاه مرجع حرکت‌های گرای در بدن (mirror neurons) باشد. این روش می‌تواند در جایگاه مرجع حرکت‌های گرای در بدن (mirror neurons) باشد.

می‌توانم منطقی باشد در جایگاه مرجع حرکت‌های گرای در بدن (mirror neurons) باشد. این روش می‌تواند در جایگاه مرجع حرکت‌های گرای در بدن (mirror neurons) باشد.


